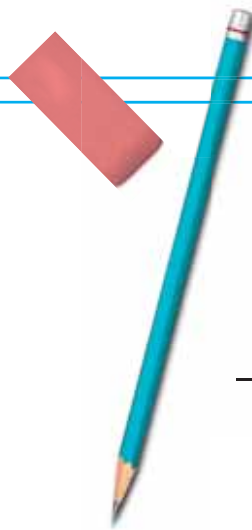


مشق را دوست ندارم

رقبه پورعلی / آموزگار خوی



کلیدگناهان

امام حسن عسکری (ع): تمام پلیدی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده و کلید آن دروغ‌گویی است.

(بحارالانوار، ج ۷۸: ۳۷۷).

یکی از کارکردهای تعلیم و تربیتی که در کلاس درس می‌توان آن را به‌عنوان تحقیق معرفی کرد، شرح سبک زندگی این امام معصوم است. بیان سخنان و احادیث راهگشا از امامان معصوم (ع) و راهنمایی دانش‌آموزان در یافتن داستان‌های درس‌آموز از زندگانی این بزرگان، در پیشرفت آموزشی و پژوهشی کلاس مفید خواهد بود. کتاب «داستان راستان» شهید مرتضی مطهری، سرمشق و نمونه‌ی خوبی برای ادبیات داستانی - مذهبی کودک و نوجوان به‌شمار می‌رود.

روز بسیج مستضعفان

ارتش، سپاه، بسیج و سایر قوای مسلح نظامی، انتظامی و مردمی ما پیرو اولیایی هستند که همه چیز خود را در راه هدف و عقیده فدا کرده‌اند و برای اسلام و پیروان معظم آن شرف و افتخار آفرینند.

(هندهای انقلاب. برگرفته از بیانات امام خمینی (ره). انتشارات انقلاب اسلامی. تهران. ۱۳۹۷).

فعالیت: آموزگار موفق کلاس می‌تواند در زمان‌هایی که درس تمام شده است، درباره‌ی مناسبت‌های آن ماه سخن بگوید و از دانش‌آموزانش سؤال و جواب کند. درک مفهوم بسیج و کارکردهای آن در زمان دفاع مقدس، یا حوادثی مانند سیل کمک‌های مؤمنانه در زمان شیوع کووید ۱۹ و اینکه این تشکل به‌فرمان امام خمینی (ره) شکل گرفته است، می‌تواند از موضوعات جالب توجه کلاس باشد.



وقتی به چشمان معصوم و صورت مهربان کودکان نگاه می‌کنم، همه را پاک و زیبا، و بی‌آلایش و فارغ از هرگونه غرور، ریا و تظاهر می‌بینم و هرچه غم و ناراحتی در درون دارم، همه را از یاد می‌برم، می‌دانید چرا؟ چون با تمامی وجود عاشق این فرشتگان پاک هستم و به بودن در کنار آن‌ها خوشگرفته‌ام.

از سال‌ها پیش عادت داشتم، وقتی درس تازه‌ای را تدریس می‌کردم، از دانش‌آموزانم بخواهم یک بار از روی درس به‌عنوان تکلیف خانه، رونویسی و سه چهار خطی هم به‌عنوان دیکته‌ی شب تمرین کنند. تمام دانش‌آموزان هم بدون استثنا ملزم به انجام آن بودند.

بنا بر عادت معمول، هر روز دفترها را کنترل می‌کردم و تذکرات لازم را به دانش‌آموزان می‌دادم.

یک روز، موقع بررسی دفترها، متوجه نوشته‌ای عجیب و باورنکردنی، در بالای صفحه‌ی تکلیف هانیه، یکی از دانش‌آموزان مستعد و نمونه‌ی کلاس شدم. او در بالای صفحه‌ی دفترش نوشته بود: «من خانم معلم را دوست ندارم».

پس از خواندن این جمله، بدون اینکه به روی خود بیاورم، دفترهای همه‌ی بچه‌ها را دیدم. در زنگ تفریح از هانیه خواستم پیش من بیاید و در ضمن دفتر تکلیفش را هم بیاورد. او که انگار یادش رفته بود چه جمله‌ای در دفترش نوشته است، بی‌خبر از همه‌جا، در کنار من نشست.

از هانیه سؤال کردم: «عزیزم، می‌توانی به من بگویی چرا دوستم نداری؟»

او که انتظار این سؤال را نداشت، به یکباره رنگ از رویش پرید و با صدایی گرفته گفت: «خانم، به خدا من شما را خیلی دوست دارم».

ادامه دادم: «ببین هانیه جان، نگران نشو! من فقط می‌خواهم بدانم چرا بالای صفحه‌ی دفتر مشق خود این جمله را نوشته‌ای؟»

هانیه با زبان کودکانه و آمیخته به ترس جواب داد: «آخر، من اصلاً مشق نوشتن را دوست ندارم. من همه‌ی درس‌ها را در کلاس یاد می‌گیرم و نوشتن تکالیف تکراری خسته‌ام می‌کند!» از او خواستم متن نوشته شده در دفترش را پاک نکند.

پس از این جریان، با خواندن چندباره‌ی آن جمله، از یک نکته‌ی مهم آموزشی آگاه شدم و آن اینکه: تعیین تکلیف به‌صورت قدیمی و کلیشه‌ای را از برنامه‌ی کاری خودم حذف کنم. من بی‌بردم، تکالیف خانه‌ی دانش‌آموزان باید کوتاه، آگاهانه، پرمحتوا و متنوع باشد و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در آن لحاظ شود. همچنین، تکلیف نباید خارج از جسمی و روحی و روانی آنان باشد. از همه مهم‌تر، باید انجام آن برای دانش‌آموزان جنبه‌ی داوطلبانه داشته باشد.

اکنون که این خاطره‌ی به‌یادماندنی و آموزنده را مرور می‌کنم، به این نکته می‌اندیشم که: آموزگار خوب و موفق کسی است که همیشه به دنبال آموختن و یادگیری باشد؛ حتی از دانش‌آموزانش!

دانش‌آموز عزیزم هانیه هم اکنون یکی از افتخارآفرینان شهر در زمینه‌های علمی و فرهنگی است.